

<http://www.Yashilmisho.com>

Email: [Info@Yashilmisho.com](mailto:Info@Yashilmisho.com)

Print: 1400/02/22



## دهستان گوئی مرکزی

دهستان گوئی مرکزی و روستاهای آن

دهستان گوئی مرکزی شامل روستاهای زیر می باشد:

مشنق، علی بیگلو، کوزه کنان، یوسف آباد، کوشک، کافی الملک، دریان، سنگل آباد..

که از این میان به بررسی مهمترین و تاریخی ترین این روستاها یعنی کوزه کنان و دریان پرداخته خواهد شد.

### کوزه کنان در گذرگاه تاریخ

کوزه کنان : دهی است بزرگ در حدود ده فرسخی تبریز

این روستا در قسمت غربی شهرستان شبستر و در بخش موسوم به گوئی مرکزی قرار دارد. گوئی به معنای آرانک و در نهایت ارونق می باشد.

باقوت حمدی در معجم البلدان آورده است که در کوزه کنان ۷۵۰۰۰ خانوار زندگی می کنند . مسلما این ارقام قابل توجه و در واقع حکایت از قدمت و اهمیت کوزه کنان دارد .

کلاویخو در سفرنامه خود راجع به این روستا آورده است که : شب را در کوزه کنان که سابقا محل بزرگی بوده و فعلا بیشتر قسمتهای آن ویران است خوابیدم .

گویند باعث این ویرانی ، امپراطور طغتمش خان بود که از امیر تیمور شکست یافت و از قدرت افتاد . در کوزه کنان بسیاری از ارمنیان را دیدم که در آنجا مسکن داشتند .

از جمله مشاهیر این خطه می توان از : نقشبندی کوزه کنانی ، ملتجی کوزه کنان ، همت کوزه کنانی و ملا ابو محمد کوزه کنانی رجل مشهور قاجار که خانه اش در تبریز به خانه مشروطیت شناخته شده و تاکنون پابرجاست نام برد .

آقای امین یونسی از مردان فرهنگ دوست کوزه کنان که هم اکنون به شغل فخاری اشتغال دارند معتقدند که : همانگونه که از مرحوم آیت الله نجفی مرعشی روایت شده است بعد از اسلام سه سادات اصیل به آذربایجان قدم نهاده اند که از آن سه یک نفر در کوزه کنان سکنی گزیده است و از این جهت کوزه کنان را دروازه سید نیز نام نهاده اند .

ظاهرا کوزه کنان همانگونه که از نامش پیداست مهد سفالگری بوده چرا که در حفاریهای مختلف این روستان ، کوزه های بزرگی که غالبا در حدود ۱۰۰ لیتر آب در خود جای می دهند به ضخامت ۷-۶ سانتی متر بدست آمده است . برای مثال(خرابه لر ) که در قسمت جنوب شرقی روستای کوزه کنان قرار دارد . ابتدا مسکونی بوده اما مشخص نیست چه حادثه ای رخ داده که مردم از آن ناحیه کوچ کرده اند . به هر ترتیب به هنگام حفاری زمین در این منطقه و یا به هنگام کشاورزی در اراضی همجوار با خرابه آثار سفالینه زیبا و قابل توجهی بدست آمده است .

آثار باستانی کوزه کنان :

۱- مسجد جامع محمد حنفیه

این مسجد از کهن ترین بناهای کوزه کنان است که مانند مسجد جامع شهر سیس موسوم به محمد حنفیه است و قدمت آن را به عهد وی نسبت داده اند .

۲- چنار کهن کوزه کنان

در کوزه کنان درخت چنار کهنی همانند همتایش در خامنه وجود دارد که در محله سادله قرار دارد قدمت چنار را حدود ۷۰۰ سال تخمین زده اند ظاهرا تا چند سال گذشته پینه دوزی در داخل درخت مغازه ای محقر ترتیب داده و به شغل کفاشی می پرداخته است .

۳- قلعه ایچی (داخل قلعه)

در کوزه کنان محله ای موسوم به قلعه ایچی قرار دارد که مشهور است در زمان شاه اسماعیل صفوی در درون قلعه به جمع آوری قشون و تعلیم نظامی می پرداخته اند . ظاهرا چند سال قبل از داخل قلعه طی حفاری دو دخمه (به شکل محل نگاهداری سربازان ) بدست آمده است که بنا بر روایتی حدود ۲ روز به یکی از دخمه ها آب بستند اما در شکل ظاهر دخمه خللی وارد نشد ، این قلعه در شمال غرب کوزه کنان پابرجاست .

۴- گورستان کوزه کنان

گورستان قدیمی کوزه کنان دارای سنگ نبشته و یا مقبره خاصی نمی باشد و در واقع گورستان وسنگ های کوزه کنان نظیر گورستان شهر سیس می باشد .

۱- ابوسعید ثانی کوزه کنانی

(خلف صنع الله کوزه کنانی بوده از معاریف سلسله نقشبندیها است . مدتی در بدلیس و خراسان بسر برده و زمانی هم در شهر تبریز از خلفای مشاربالبنان آنان بوده است در تاریخ ۹۵۵ که سلطان سلیمان به تبریز آمد آن بزرگوار را همراه خود باسلامبول برده پانزده عدد طلای مقرری برای وی معین کرد و از آنجا در سال ۹۷۱ به زیارت بیت الله الحرام تشریف حاصل نمود . تولد مولانا در هشتم ذی القعدة سال ۹۲۵ واقع شده و در سنه ۹۸۰ وفات کرده در حرم وفا مدنقونست و از جمله آثار کتابی است در شرح ارباب تفسیر که به طبقات المفسرین موسوم است .

۲- حاج ملا احمد بن عبدالله کوزه کنانی

از علمای معروف آذربایجان و از تلامذه آقا سید حسین کوهکمری و ملا محمد ایروانی بوده و از آنها اجازه دارد. او در حدود سنه ۱۳۲۶ هجری در کاظمین مرحوم شده که در مقبره آقا شیخ حسن مامقانی دفنش کرده اند کتاب هدایه الموحدین فی اصول الدین و کتاب ایقظ العلما و تنبیه الامرا و روضه الامثال از جمله تالیفات آن مرحوم در تبریز به طبع رسیده و اشعار زیادی هم به زبان پارسی گفته است.

و اما صاحب اعیان الشیعه در ۳ جای کتاب خود از وی یاد کرده است :

از جمله در جلد دوم آورده است که :

الموالی احمد بن عبدالله الکوززکنانی التبریزی النجفی

مربعنوان ملا احمد التبریزی الکوزه کنانی و کان ینبعی ذکره بالعنوان المذکر هنالکن سبق ان ذکرناه هناک و در جای دیگر می نویسد:

مضی بعنوان ملا احمد التبریزی الکوزه کنان

وی توضیحات مشروح خود را در ارتباط با احمد کوزه کنانی چنین بیان می دارد :

توفی فی ۵ ربیع الاول سنه ۱۳۲۶ أو ۲۷ فی الکاظمیه زائرا و نقلت جنازته الی النجف الاشرف و دفن فی مقبره الشیخ حسن المامقانی. و (الکوزه کنانی) نسبه الی کوزه کنان. بضم الکاف و سکون الواو- و فتح الذای و ضم الکفا و نونین بینهما- الف قریه کبیره من نواحی تبریز بینها و بین ارمیه تبین منها بحیره ارمیه کما فی مرا صدا الاطلاع.

مؤسس حزب المشروطه فی الغزی و کان عالما فاضلا ذکیا متوقدا الفهم یدودی عن الشیخ حسن المامقانی و هو من تلامیذه.

(۱)- کتاب هدایه الموحدین فی اصول الدین ثلاثه جملات کبار بالفارسیه.

(۲)- روضه الامثال فیها کل آیه فیها لفظ مع تفسیرها.

(۳)- ایقظ العلما رساله صغیره و الثلاثه مطبوعه فی تبریز.

(۴)- رساله فی السلطنه المشروحه و الاستبدادیه قال بغض المعاصرین عند ذکرها کانه یرید بذالکه معنی قولی.

تغییرات للدنیا و أصبح شرها

یروح بافراط و یغدو بتفریط

الی این یمضی من یروم سلامه

و ما الناس الامستبد و مشروطی

۳- خاوری کوزه کنانی

اسمش میرزا معصوم، اصلش از قریه کوزه کنان تبریز می رسد که مرشد ملای روم است. در بدایت عمر تحصیل قدری از مقدمات عربیه کرده از آذربایجان به عراق رفت، چندی در دارالمؤمنین کاشان اقامت نمود. نظر برتبه کمال و سلامت حال، ملک الشعرا فتحعلی خان کاشی یکی از برادرزادگان خود را به حباله نکاح او در آورده و چندان ملاطفت و مهربانی درباره او کرد که او از احباب و اقوام خود فراموش نمود.

در ریاض العارفین آمده است :

نظر به پاکی فطرت و نیکی جبلت به مصاحبت اهل دنیا راضی نگردیده و به کسب و تجارت امور معاش خود گذارنیده چنانکه در قصیده ای فرماید :

زبدو حال ز مردم طمع برید ستم

که صعود را نکند طعمه همت شاهین

بقرص سفره خود راضیم ز گندم و جو

به صید بازوی خود قانعم زغث و سمین

به حکم استطاعت بزیارت بیت الله مشرف و در عرض راه مثنوی بیحری مثنوی قرآن السعدین امیر خسرو دهلوی مسمی به تحفه الحرمین منظوم فرموده، با جمله از مسالک سلوک واقف و از مصاحبان اهل معارف اشعار بسیار زیاد دارد.

صاحب تذکره اختر درباره او می نویسد :

خاوری الحق مردی است آرمیده، از علوم رسمی استحضاری وافی دارد و از رسوم سخنوری استنبصاری کافی، در نظم و نثر قادر است و در این هر دو فن شریف ماهر، دراری منظومه اش غیرت عقد پروین و لالی منثورہ اش رشک درر ثمین، خلاصه اکنون (۱۲۲۵-۱۲۳۳) از مخول شعرای عصر محسوب است. دیوان قصاید و غزلیات او را ملاحظه و قدری از منتخباتش در این سفینه ثبت افتاد.

تالیفات وی :

۱- دیوان قصاید و غزلیات که صاحب تذکره اختر آن را ملاحظه کرده است.

۲- تحفه الحرمین در مقابل قران اسعدین امیر خسرو دهلوی در سفر حج منظوم و پس از برگشت تحفه بارگاه فتح علی شاه نموده وصله یافت.

۳- مهر خاوری هزار بیت از منتخبات اشعار محمود میرزا است که میرزا معصوم خاوری جمع کرده است و شامل مقدمه می است در مآثر و آثار محمود میرزا

از این منتخبات نسخه می در کتابخانه مجلس به شماره (۳۴) جزو کتب مرحوم طباطبائی هست. و نسخه ای هم در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره خصوصی ۱۰۴۱ و شماره عمومی ۵۰۰۶ هست.

خاوری قصیده ای در مدح فتحعلی شاه در غالب ۶۳ بیت سروده که در تذکره اختر تمامی آن ذکر شده است قسمتی از آن چنین است :

گذشت فصل دی و شد فیض فروردین زمین به نامبه رشگ نگار خانه چین به صحن باغ انار کفیده در سر شاخ همی بخندد بر در جهای ثمین چه داشت ساقی ابر بهار در صهیا که فاش کرد به یک جرعه رازهای زمین..

از غزلیات و اشعار اوست :

صبح است و در طرف چمن بلبل نواخوان آمده

بر شاخ سرو و نارون قمری در افغان آمده

هم دل گشا گلشن شده هم مرغ دستان خوان شده

هم شمع گلشن روشن شده هم غنچه خندان آمده

افلاک چرخ آفاق چه دلوی دو از وی مهر و مه

زیر و زبر بیگاه و گه این رفته و آن آمده

ز آن دلووچه از کهکشانش رودی ست در گردون روان

ز آن کشتزار آسمان زین گونه ربیان آمده

گردون اگر از مردمی در مدح دارا زد دمی

کز گوهر انجم همی آگنده دامان آمده

در آن خلوت که حیرت لب فرو بندد جهانی را

مجال نطق باشد خاصه چون من بی زبانی را

۴- ذکر کوزه کنانی

کربلای نجف بازارچی از شعرای قرن سیزدهم آذربایجانست و اشعارش ترکیبست.

اما از اشعار وی چیزی به دست ما نرسیده است.

۵- رحمت کوزه کنانی

میرزا محمد کوزه کنانی الاصل، اصفهانی الموطن، از فضلا و شعرای عهد فتحعلیشاه قاجار می باشد که رد دیوان انشا منصب یافته و بامر همایونی کتاب زینت الحکایات را تألیف داده است.

از افاضل و اماجد زمان است بخدمت مشایخ عهد رسیده غالبا طریقه انیقه سلسله علیه ذهبیه را گزیده ارباب حال و اصحاب کمال را به خدمتش رجوع است و همداستانی مردم بجلالت قدرش بحد شیوع است در اخلاق محموده و اوصاف ستوده مشهور و در السنه و افواه مذکور است.

دو وصف وی نیز چنین آورده اند.

از بدایت عمر تا کنون که زندگانی کهولت است با زنده پوشان ارزنده و عارفان پاینده در طریق مجاهدات نفس و تزکیه باطن مجاهد و مصر بوده هم به دعوی خود که صداقت را قرین باشد از فیوضات کاملین و همت عارفین به قدری که بر خود بیند بصیرتش حاصل الحق آدمی است لیبیت و از سیاق آدمیت با نصیب.

به نوشته مرحوم دکتر بیانی یکی از مثنوی های منظوم او در کتابخانه سلطنتی به خط خود وی هست و چنین تمام می شود :

سالی که موکب جهان گشا به عزم تنبه متمدین خارزم و افاغنه هرات و اویماقات هزاره و تکیه بر سر حدات خراسان نهضت فرما و ابن بنده درگاه عالمیان پناه محمد منشی کوزه کنانی از رکاب اقدس مأمور به خدمتی در یزد و اصفهان بود، این مثنوی در عرض هجده روز به معرض عرض رسید و هو السلطان.. فتح علی شاه قاجار روح العالمین فداه.

وی در طریقت پیرو سلسله ذهبی بود.

نمونه یی از مثنوی اوست :

رحمت شاه است بیرون از حساب

قابل و ناقابل از وی کامیاب

همتش هر جا به رحمت کار کرد

هست چون من نیست را بسیار کرد

هستی ما یک دو روزی پیش نیست

وقت اندک قابل تشویش نیست

شادی و اندوه عالم یک دم است

بهر یک دم این چه اندوه و غم است

بازگشت فعل مردم سوی توست

راه باز جنان از کوی توست

هر غیبی باز جوید جای خویش

سرکند افسانه از ماوای خویش

پیش مجنون قصه لیلی خوش است

گفتگو با وامق و عذرا خوش است

هر کجا حرفی ز اندوه و غم است

داغ ماتم دیدگان را مرهم است

داستان عقل و عشق از هم جداست

هر متاعی را به بازاری بهاست

خود مگو درد طلب حیرانی است

عاشقی اسباب سرگردانی است

مثنوی

چند پویم در پی این آرزوی

شهر شهر و خانه خانه کوبکوی

چند ریزم سیل غم زین جستجوی

دجله دجله چشمه چشمه جوی جوی

دیه دریا کردم و دل غرق خون

تا چه آرم تا چه سازم زین فزون

از طلب فازغ نبودم هیچ گاه

روز روز و هفته هفته ماه ماه

سالها رخس و ریاضش تاختم

دامها در سید معنی ساختم

دیگرم نیرو در ابرش نماند

یکدو تیرم بیش در ترکش نماند  
تا خواهم کرد در این خستگی  
با همه همواری و آهستگی  
کبریای عشق هستی سوز را  
عالم تجرید جان افروز را

همچنین از اوست :

ای خوشا عشق و خوشا بدنامیش  
عین کام آمد همه ناکامیش  
از تو پیدا هرچه ناپیداستی  
وز تو زیبا هر چه نازیباستی  
داستان عقل و عشق از هم جداست  
هر متاعی را به بازاری بهاست  
چند پویم در پی این آرزو  
شهر شهر خانه خانه کوبکو  
چند ریزم سیل غم زین جستجو  
دجله دجله چشمه چشمه جوی جوی  
دیده دریا کردم و دل غرق خون  
تا چه آرئم تا چه سازم زین فزون  
از طلب فارغ نبودم هیچ گاه  
روز روز و هفته هفته ماه ماه  
کبرای عشق هستی سوزان را  
عالم تجرید جان افروز را  
دامن ار بالای ما بالاتر است  
سوی او راه از طریق دیگر است

۶- صنع الله کوزه کنانی

از اصحاب مولانا سعد الدین کاشغری است از اوایل سلطنت سلطان یعقوب تا زمان شاه اسماعیل بر سجاده تقوی و پرهیزکاری متمکن بوده و جمع کثیری از درویشان طلب ارشاد از وی میکردند فوتش در سنه ۹۳۱ واقع شده و پیر طریقت ماده تاریخ اوست. مزارش در مقبرع سرخاب جنب حظیره بابا مزید است.

۷- میرزا حسین کوزه کنانی

اصلش از قلیه کوزه کنان تبریز، اما در اصفهان خلد بنیان نشو و نما یافته و تحصیل کمال کرده. بوساطت جناب اعتمادالدوله میرزا عبدالوهاب در دفتر انشا شاهنشاهی برقم نویسی مباحی و در سکوت بندگی سرافکنندگی و در لباس چاکری معرفت شناخت الهی دارد. بمجاهدت و تزکیت نفس می کوشد و در بزم عشق ساغر عرفان می نوشد. نصیبی از دولت کاملان راه و توشه یی از سفره عاشقان آگاه یافته. بصیرتی دارد و دانش و بینشی آرد.

و بامر همایون کتابی محتوی و مشحون به پنجاه هزار بیت از قصص و حکایات مسمی به زینت الحکایات نوشته است. بنظر نرسید و آگاهی از حالات او به مطالعه فسفینه نواب محمود میرزا گردید. در بند تدوین اشعار و تخلص نیست ازوست :

مثنوی

زندگانی یک دو روز بیش نیست  
وقت اندک قابل تشویش نیست  
شادی و اندوه عالم یک دم است

بهر یک دم این چه اندوه و غمست  
هر کجا حرفی ز اندوه و غمست  
داغ ماتم دیدگانرا مرهمست  
ای خوشا عشق و خوشا بد نامیش  
اصل کام آمد همه ناکامیش  
از سخنانش معلوم است که دردی و آه سردی دارد.

#### ۸- حاج مهدی کوزه کنانی

وی از پیشروان جنبش مشروطیت و از مشاوران نزدیک ستارخان سردار ملی بوده است.

خانه مرحوم حاج میرزا علی کوزه کنانی در جنب مجموعه بازار بزرگ تبریز و در کنار خیابان جدید الاحداث استاد مطهری واقع شده و در زمان مشروطیت و پس از آن محل تجمع سران و بازماندگان صدر مشروطیت از جمله ستارخان، باقرخان، ثقه الاسلام، حاج میرزا آقا فرشی، حاج میرزا حسن واعظ و اکثر مشروطه خواهان بوده است. خانه مذکور در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی بدست حاج ولی معمار تبریزی که سالیان متمادی در روسیه زندگی می کرده ساخته شده و در سال ۱۳۴۴ توسط مالکان جدید آن مرمت گردیده است.

مساحت خانه به بیش از ۹۳۰ متر مربع می رسد و قسمت اعظم آن را زیر بنای خانه مشتمل بر حوضخانه سرسرا و دو طبقه بنا، تشکیل میدهد. حیاط مشجر و باصفای خانه کوزه کنانی به مجموعه، طراوت و زیبایی بخشیده است.

لازم بذکر است که حاجی حسن آقا فرزند حاج مهدی نیز مانند پدرش خدمات شایانی به جنبش ملی نموده است.

#### ۹- ملتجی چشمه کنانی

شیخ علی فرزند آخوند ملا رضا چشمه کنانی تحصیلات خود را در نجف اشرف به کمال رسانیده و به اخذ درجه اجتهاد نایل گشت و پس از مراجعت به وطن در رضاییه سکنی گزیده و بعلت مخالفت با عرب باغی (یکی روحانیون) از آنجا کوچ کرد و در طسوج رخت اقامت افکند و به سال ۱۳۵۲ هجری قمری در هفتاد سالگی فوت کرد و در شرفخانه به خاک سپرده شد.

این قطعه در جنگی متعلق به کتابخانه آقای بیت الله جمالی بنام او ضبط شده است :

عزیمت کرد روزی عنکبوتی

که بهر خود کند تحصیل قوتی

به جایی دید شهبازی نشسته

ز قید دست شاهان باز رسته

به گرد آن تیندن کرد آغاز

که بر بند پر و بالش ز پرواز

زمانی کار در پیکار او کرد

لعاب خود همه در کار او کرد

چو آن شهباز کرد از او کناره

نماندش غیر تاری چند پاره

مؤسسات علمی- فرهنگی کوزه کنان

امروزه کوزه کنان از سایر مؤسسات تمدنی برخوردار می باشد.

و طی انقلاب اسلامی حدود ۲۵-۲۰ نفر شهید داده است.

مدارس کوزه کنان

در سال ۱۳۲۱ یکباب دبستان یه همت آقای ابراهیمی دریانی بنا گردید و مدیر آن عباسعلی آقاجانی بود. که تعداد دانش آموزان آن تا سال ۱۳۸۸ حدود ۱۱۵ نفر بوده است.

این مدرسه تا به امروز پایرجاست. از آن گذشته کوزه کنان دارای یک مدرسه راهنمایی دخترانه به نام فاطمیه و دبیرستان بعثت نیز می باشد.

## هنر کوزه گری ، سفاگری در کوزه کنان

همانگونه که فیلا یادآوری گردید، کوزه گری شغل آبا و اجدادی اهالی کوزه کنان است، که امروزه بر سر جاده کوزه کنان تسوج دو کارگاه کوزه گری فعال دایر است. آقای امین یونسی از کوزه گران بنام کوزه کنان می باشند که اظهار می نمایند که این، شغل حدود ۱۵ سال است که در خاندان ایشان موروثی می باشد امروزه بالغ بر ۵۰ کارگاه کوزه گری در کوزه کنان دایر است.